
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

حدیث

«الهیات و معارف اسلامی – علوم قرآن و حدیث»

مولف: مهتاب دنیامعلیزاده

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمندبه ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائیکه درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آن وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی که شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای داوطلبان عزیز را پوشش داده است. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان و لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، فلذا از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشر

www.arshadbook.ir

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

بخش اول: علم‌الحدیث

علم‌الحدیث ۹
«صحاح سته» ۲۶
سایر جوامع حدیث اهل سنت ۴۱
«سیر تدوین حدیث در شیعه» ۴۸
«شروح کتب اربعه» ۵۸
«جعل حدیث» ۶۵
«تمیز مجعولات» ۷۳
«مصطلح الحدیث» ۸۸
«اصطلاحات علم الحدیث» ۹۶
«کنی و القاب ائمه علیهم السلام» ۱۱۲
«ملحقات اصطلاحات علم الحدیث» ۱۳۰

بخش دوم: درایت الحدیث

درایت‌الحدیث ۱۴۷
«علم درایه یا مصطلح الحدیث» ۱۵۵
علم الحدیث ۱۵۷
انواع اصطلاحات حدیث ۱۷۱
جعل حدیث ۱۹۹

عنوان **صفحه**

حجّیت خبر واحد ۲۰۴
شرایط روایت و راوی ۲۰۶
طرق شناسایی حال راوی ۲۱۰
طرق تحمّل حدیث ۲۲۱
فواید ۲۲۶

بخش اول

علم الحدیث

علم‌الحدیث

«تعریف علم الحدیث و بخش‌های آن»

«علم الحدیث» علمی است که با آن، اقوال، تقریرها، و افعال پیغمبر و امام شناخته می‌شود. بنابراین موضوع علم الحدیث، اقوال، احوال و افعال معصوم است. علم الحدیث به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱) علم روایت الحدیث که در آن از کیفیت اتصال حدیث به معصوم از لحاظ احوال روات و کیفیت سند و غیره گفتگو می‌شود و اصطلاحاً «علم اصول الحدیث» نامیده شده است.

۲) علم درایت الحدیث که از معانی و مفاهیم الفاظ موجود در احادیث بحث می‌کند. امام (ع) فرمود: «حَدیث تَدری، خَیرٌ مِنْ ألف تروی» یعنی دانستن و فهم یک حدیث، بهتر از نقل هزار حدیث است.

بخش اول یعنی «علم اصول الحدیث» نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱) «علم رجال» که در آن از احوال رجال سند از لحاظ عدالت و وثاقت و عدم آن بحث می‌شود.

۲) «مصطلح الحدیث» که در آن، از کیفیت نقل حدیث توسط راویان (از لحاظ تواتر و وحدت نقل، اتصال و انقطاع آن و مراتب نقل از نظر صحت و ضعف و اصطلاحات مربوط به آن) گفتگو می‌شود.

«اسامی حدیث و مناسبت معنای لغوی و اصطلاحی»

«حدیث» اصطلاحاً کلامی است که حاکی از قول یا فعل یا تقریر معصوم(ع) باشد و بر آن «خبر»، «سنت» و «روایت» نیز اطلاق شده است. طریحی، صاحب مجمع البحرین، «حدیث» را مرادف «کلام» دانسته و وجه تسمیه به این نام را تجدد و حدوث آن گرفته است.

وجه تسمیه‌ی «خبر» به «حدیث» از آن جهت است که در مقابل قرآن –که هر دو بیان احکام الهی است – قرار گرفته؛ زیرا اکثر اهل سنت قایل به قدم قرآن می‌باشند و از این رو، احکامی را که از ناحیه‌ی شخص پیامبر انتشار یافته،

«حدیث» در مقابل کلام قدیم یعنی «قرآن» نامیده‌اند. همچنین ممکن است از این لحاظ گفته‌ی پیامبر و امام را حدیث نامند که در تشریع قوانین الهی، تازگی و حالت نو جدیدی دارد؛ چنانکه قرآن نیز از این نظر، تازه و حدیث است. بعضی چون علامه قاسمی در قواعد التحدیث احتمال داده‌اند که چون حروف، متعاقب یکدیگر می‌آیند، قهراً حرف بعدی پس از حرف قبل استعمال شده و حادث گردیده است یا از آن جهت که در دل شنونده ایجاد معنای تازه می‌کند، «حدیث» نامیده شده است.

در تاج العروس آمده: « خبر چیزی است که از دیگری نقل شود و اهل عربیت قید احتمال الصدق و الکذب را به آن افزوده‌اند، ولی نزد محدثین به معنای حدیث آمده است.» اما مراد از «سنت»، همان «قول، فعل و تقریر معصوم است.» منتها به قول اهل سنت و بعضی از بزرگان در غیر عادیات؛ که مشتق از «سَنَن» به معنای طریقه‌ی پسندیده باشد. بنابراین «سنت» در مقابل «کتاب» به آنچه طریقه‌ی معصوم و منتسب به وی است، اصطلاح شده است.

«سنت» به معنای اعم، همان نفس فعل و قول و تقریر معصوم است که در مقابل کتاب استعمال می‌شود و به معنای اخص، مرادف مستحب اطلاق شده. در علم الحدیث، اطلاق سنت، بیشتر به همان معنای اعم است. اما «روایت» را نیز به معنای حدیث گفته‌اند. در مجمع البحرین آمده است: «روایت در اصطلاح، خبری است که به طریق نقل به معصوم ختم شود.» اصل روایت از «روی البعیر الماء ای حمله» مشتق است؛ چون «راوی» نیز حامل و ناقل حدیث شمرده می‌شود. متعلق فعل «روی» باید چیز صاف و روان باشد. لذا در حمل آب و فکر و کلام استعمال شده است.

اما در مورد واژه‌ی «اثر» شیخ بهائی در وجیزه فرموده: «اثر، مرادف با حدیث است و بعضی اعم از حدیث دانسته‌اند و جمعی اثر را به آنچه از صحابه نقل شود، اختصاص داده‌اند.» ولی معنای اصطلاحی و لغوی اثر، یکی است زیرا اثر چنان که از موارد استعمال آن معلوم می‌شود، به معنای بقیه و بازمانده‌ی شیء است. بنابراین اثر، در استعمال روات به تناسب حکم با موضوع، همان بقایای اقوال و افعال منقوله از پیامبر و سلف صالح است.

نحوه‌ی استعمال فعل در «حدیث»، از باب تفعیل آمده است و در «خبر» از باب تفعیل و افعال، هر دو آمده و در «روایت»، فقط از ثلاثی مجرد از باب «ضرب» استعمال شده است.

در کتب متأخرین برای تعبیر از «حدثنا و اخبرنا» و همچنین «حدثنی و اخبرنی»، علایم اختصاری وضع و استعمال شده است. علایم مزبور عبارتند از: ثنا – نا: در حدثنا انا: در اخبرنا

ح: رمز (حیلوله) که اگر محدث، متنی را به دو سند نقل نماید، هنگام انتقال از سندی به سند دیگر «ح» می‌نویسند. این رمز از تحول به معنای انتقال یا حیلوله (به معنای فاصله و حاجز شدن) مشتق شده است. صاحب معالم در کتاب منتقی‌الجمان می‌فرماید: باید دانست که حال مشایخ ثلاثه (صاحبان کتب اربعه‌ی حدیث شیعه) در ذکر اسانید، مختلف است.

شیخ کلینی سند حدیث را تماماً نقل می‌نماید یا به سند حدیثی که قریباً گذشته ارجاع می‌دهد. شیخ صدوق بیشتر سند را ترک کرده ولی طریق متروکه را در آخر کتاب به تفصیل آورده است. شیخ طوسی گاهی تمام سند را ذکر و زمانی بیشتر آن را ترک می‌کند و بسا که قسمتی را ترک و بقیه را ذکر نموده است (که اهل فن درایه، ترک اوایل سند را تعلیق نامند.) سپس در آخر تهذیب، به صراحت، و نیز در استبصار فرموده: «هر حدیثی که قسمت اول سند را نیاورده‌ام، به نام کسی است که حدیث مزبور از کتاب وی اخذ شده و طریق خود را به صاحبان کتب در کتاب «فهرست» یاد نموده‌ام.»

فقهای صحابه: از بزرگان صحابه، علی(ع)، عبدالله بن مسعود، سلمان فارسی، ابی بن کعب، عمار یاسر، حذیفة بن یمان، عبدالرحمان بن عوف، انس بن مالک، ابوموسی اشعری، ابوهریره، عایشه و عمر به کثرت فتوا مشهورند.

حفّاظ حدیث: ابن کثیر از احمد بن حنبل نقل می‌کند که از همه‌ی اصحاب، بیشتر شش نفر حدیث روایت کرده‌اند: انس، جابر، ابن عباس، ابن عمر، ابوهریر، عایشه، سپس خود، عبدالله بن عمر و ابوسعید خدری و ابن مسعود را اضافه می‌کند. منتها ابوهریره که مدت صحبتش با پیامبر از همه کمتر بود، بیش از دیگران نقل حدیث کرده، بلکه به تنهایی از علی(ع) و سه خلیفه‌ی دیگر، بیشتر روایت نموده و همین کثرت نقل و نیز جهات و علایم دیگری باعث شد که گروهی از جمله عایشه در منقولات وی طعن زده او را متهم به جعل حدیث نمایند. در تقریب و شرح آن آمده که: ابو هریره از تمام صحابه به کثرت نقل حدیث امتیاز دارد زیرا از روی ۵۳۷۴ حدیث نقل شده و بیش از هشتصد نفر از وی نقل حدیث کرده‌اند. بیهقی از شافعی نقل کرده که وی (ابو هریره) حافظ‌ترین اصحاب رسول اکرم (ص) (ص) است. پس از وی عبدالله بن عمر است که ۲۶۳۰ حدیث نقل کرده، سپس به ترتیب احادیثی که از افراد ذیل نقل شده عبارتند از: انس بن مالک: ۲۲۸۶ حدیث، عبدالله بن عباس: ۱۶۶۰ حدیث، جابربن عبدالله: ۱۵۴۰ حدیث، ابوسعید خدری: ۱۱۷۰ حدیث و عایشه(همسر پیامبر): ۲۲۰۸ حدیث (و به قولی ۲۲۱۰ حدیث) ولی در دیگر یاران پیامبر، کسی که بالغ بر هزار حدیث نقل کرده باشد، نیست.

گروهی به واسطه‌ی اختناق سیاسی دوران معاویه و حزب اموی، آنچه را از علی‌بن ابیطالب (ع) شنیده بودند، بدون استناد به او (به نحو ارسال) نقل می‌کردند. چنانکه درباره‌ی حسن بصری (تابعی معروف) که از مکثرین حدیث است، ولی بیشتر منقولات وی مرسلات می‌باشد، نقل شده که می‌گفت: «کل شیء سمعتنی اقوله قال رسول الله فهو عن علی‌بن ابیطالب، غیرانی فی زمان لا استطیع ان اذکر علیاً» یعنی هر حدیثی که از من بدون واسطه‌ی صحابی و مستند به رسول خدا (ص) شنیدید، من آن را از علی‌بن‌ابیطالب شنیده و نقل می‌کنم.

«مسافرت برای اخذ حدیث»

صحابه‌ی رسول خدا (ص) در جنگ‌های خونینی که پس از پیامبر صورت گرفت، رو به دیار نیستی می‌رفتند، به همین دلیل، وجود روات و محدثین از پیغمبر و صحابه، در آن دوران، ارزش بارز خود را کسب کرده و حتی گروهی برای کسب حدیث از یاران پیامبر(ص) شدّ رحال و طی منازل می‌نمودند. مثلاً علی‌بن مدینی گوید: «حججت حجة و لیس لی همة إلا ان اسمع» یعنی حج گزارم و فقط همتم شنیدن حدیث بود.

همچنین جابربن عبدالله انصاری که از جمله‌ی صحابی مکثرین حدیث است و سبب آن نخست، حس دانش پژوهی جابر است، وی حتی برای شنیدن یک حدیث، از مدینه به مصر رفت و یک ماه این راه طول کشید. داستان سفر او از این قرار بود که او شنید که عبدا... بن انیس جهنی، حدیثی راجع به قصاص از پیامبر شنیده است و چون دیگری این حدیث را یاد نداشت، جابر تصمیم گرفت که برای شنیدن حدیث، به مصر سفر کند. دلیل دیگر کثرت نقل حدیث از پیامبر توسط جابر، طول عمر وی است. چه آنکه وی آخرین صحابی رسول اکرم (ص) (ص) است که در مدینه به اختلاف روایت در ۶۳ ، ۷۴، ۷۷ و ۷۸ هـ . ق در گذشته است.

از ابی العالیه نقل شده که می‌گفت: « برای ما از یاران پیامبر در بصره احادیثی نقل می‌شد ولی ما به شنیدن از بصریان اکتفا نکرده، به مدینه می‌رفتیم تا از زبان خود راویان، حدیث را بشنویم.»

از ابی‌قلابه بصری، عبدالله بن زید جرمی نقل شده که: « سه سال در مدینه اقامت گزیدم و فقط نظرم اخذ یک حدیث از ناقل اصلی آن بود». از سعیدبن مسیب نقل شده: «روز و شب‌هایی برای یک حدیث و در پی آن، به تکاپو و

مسافرت گذراندم.» لذا گروهی را به صفات «رحال جوال، سافر إلی الافاق، طواف الاقالیم» که مشعر بر کثرت سفر از پی حدیث است، موصوف می‌بینیم.

سعید بن مسیّب، یکی از بزرگان فقهای تابعین است که مرسلات وی، اصح مراسیل شمرده شده است.

«نخستین طبقه‌ی ناقلین حدیث»

یکی از جهات کثرت نقل صحابی، طول مصاحبت پیغمبر (ص) است که قهراً مستلزم استماع احادیث بیشتری از آن جناب می‌باشد. دیگر کثرت ارتباط و آمیزش با آن جناب است که این دو در علی‌بن ابیطالب (ع) بیشتر از همه‌ی صحابه بوده است زیرا وی اولین کسی است که اسلام آورد و به واسطه‌ی انتساب، مواصلت و تخصص به آن حضرت، بیشتر درک محضر شریفش را نموده است. از اسباب دیگرِ کثرت نقل، طول زندگی صحابی پس از رحلت پیغمبر (ص) می‌باشد که مردم برای استماع حدیث از شخص صحابی به سوی وی شدّ رحال می‌نمودند و از این رو حدیثی نزد آنان ناگفته نمی‌ماند.

آخرین صحابی پیامبر (ص) در بلاد مختلف عبارتند از:

آخرین صحابی: ابوالطفیل (عامربن واثله) بوده که هشت سال از عمر پیامبر را درک کرده، وفاتش در سال ۱۱۰ هـ . است. در مدینه، جابربن عبدالله انصاری که در سال ۷۲ یا ۷۴ وفات کرده و سهل بن سعد انصاری که در سال ۸۰ یا ۸۸ یا ۹۱ هـ وفات کرده است. در بصره، انس بن مالک، عمروبن حریث و عبدالله بن حارث زبیدی. در کوفه، عبدالله بن ابی اوفی اسلمی، در مصر، عبدالله بن حرث زبیدی. در شام، عبدالله بن مازنی اسلمی و ابو امامه باهلی. در یمامه، هرماس بن زیاد باهلی بصری. در فلسطین (بیت‌المقدس)، ابوابی (عبدالله بن عمرو).

ولی آشکار است که کلیه‌ی منقولات اصحاب، به صحت نپیوسته است. زیرا اولاً احادیث تا نیمه‌ی قرن دوم هجری ضبط نشده بود و با گذشت یک قرن و نیم از زمان صدور حدیث، مدار تحدیث، نقل شفاهی بوده و احادیث سینه به سینه و با اتکای حافظه نقل می‌شد و البته همه‌ی ناقلین، به قوت و کثرت حافظه موصوف نبوده‌اند. همچنین احادیث، نقل به معنا می‌شده و خواه و ناخواه در مواردی در معنا تغییری حاصل می‌شد. ثانیاً دواعی جعل حدیث، زیاد بوده است.

«اختلاف صحابه در تدوین حدیث»

سیوطی می‌گوید: « سلف (صحابه و تابعین) در کتابت حدیث، اختلاف نموده‌اند، جمعی مانند ابن عمر، ابن مسعود، زید بن ثابت، ابو موسی، ابوسعید خدری، ابوهریره و ابن عباس کراهت داشتند و جمعی مانند عمر، علی، حسن، ابن عمر، انس، جابر، ابن عباس، ابن عمر ایضاً، حسن، عطا، سعید بن جبیرو عمربن عبدالعزیز مباح می‌دانستند و حتی قاضی عیاض از اکثر صحابه این قول را نقل کرده است. اگر چه سیوطی، عمر را در شمار مجوزین کتابت حدیث می‌آورد ولی ابن سعد و نیز ابن حجر در مقدمه‌ی فتح الباری، عمر را جزو مانعین کتابت حدیث نوشته‌اند. گویند عمر می‌خواست احادیث را جمع کند، اصحاب نیز رأی دادند ولی بعداً منصرف شد و گفت: :« یهود که این کار را با منقولات از پیغمبرشان کردند، از کتاب خدا دست برداشتند و به سنت پرداختند.» بعضی گمان کرده‌اند که رسول اکرم(ص) خود از نوشتن حدیث به جهت مزبور نهی فرموده و حتی حدیثی بدین مضمون به آن حضرت نسبت می‌دهند: « لا تکتبوا عنی و من کتب عنی غیر القرآن فلیمحه و حدثوا عنی و لا حرج» ولی بعضی چون دکتر صبحی صالح در صحت این حدیث خدشه نموده‌اند و چنان توجیه کرده‌اند که نهی مزبور در ابتدای نزول قرآن بوده و چون در میان صحابه، جمع کثیری از حافظان قرآن پدید آمد و در نتیجه احتمال التباس و اشتباه کتاب‌الله با حدیث رسول اکرم (ص) (ص) از بین رفت، موضوعی برای نهی مزبور نمانده است و حتی از آن جناب، مأثور است که فرمود: « قیدوا العلم بالکتاب» یعنی علوم را با نوشتن، از فراموشی حفظ کنید.

و نیز فرمود: « اکتبوا لِأبی شاة.» نقل شده که پیامبر (ص) به عبدالله بن عمرو عاص اذن کتابت داد و صحیفه صادقه (که شامل بخشی از احادیث آن حضرت بود،) به وسیله‌ی وی نگاشته شد. صحیفه‌هایی در حدیث، به جمعی از صحابه نسبت داده شد که از آن جمله «صحیفه صادقه» از عبدالله بن عمرو عاص است و نیز صحیفه‌ی جابربن عبدالله و سمرة بن جندب است. نیز از ابوهریره و عبدالله بن عباس مقدار زیادی نوشته (که مسلماً قسمتی از آن احادیث نبوی بوده) پس از مرگشان باقی مانده است.

با نهی خلیفه‌ی دوم از کتابت حدیث و نیز به گمان این که احادیث، ممکن است با کتاب خدا آمیزش یافته و در نتیجه مشتبه گردد، جمعی عمداً احادیث را از بین بردند. چنانکه از ابوبکر نقل شده که تعداد کثیری، حدیث از پیغمبر نوشته بود و از خوف این که آنچه نوشته، آن طور که شنیده، نباشد، همه را نابود ساخت. با این وصف، دو نسخه از صحیفه‌ی همام بن منبه (متوفای ۱۰۱ هـ) که ظاهراً املای استادش ابوهریره بوده، توسط دکتر محمد حمیدالله یافت شده است.

«جمع‌آوری حدیث»

جمع حدیث رسماً از قرن دوم هجری شروع شده است، بدین شرح که: عمربن عبدالعزیز به این فکر افتاد که حدیث را جمع کند. وی به ابوبکربن محمّد حزمی نوشت حدیث را جمع کن که می‌ترسم علم علما نابود شود. ابوبکربن محمد حزمی، قاضی مدینه در زمان سلیمان بن عبدالملک و عمربن عبدالعزیز بوده و چون خلافت عمربن عبدالعزیز از سال ۹۹ تا ۱۰۱ هـ بوده، قهراً ضبط احادیث در آغاز قرن دوم هجری بوده است.

بعضی نوشته‌اند اول کسی که به امر عمربن عبدالعزیز جمع احادیث نمود، ابن شهاب زهری (محمد بن مسلم) عالم حجاز و شام بوده است. علامه قاسمی در قواعد التحدیث از قول ابن حجر نقل کرده که ربیع بن صبیح (متوفای ۱۶۰ هـ) اول کسی است که حدیث را جمع کرده است.

بزرگان تابعین که به کثرت حدیث و فتوا مشهورند، عبارتند از: سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی‌بکر، عروة بن زبیر، خارجة بن زیدبن ثابت، ابو سلمة بن عبدالرحمان بن عوف، عبیدالله بن عتبة بن مسعود، سلیمان بن یسار هلالی، علقمه، ابان بن عثمان، اباعثمان نهدی مسروق، حسن بصری(مفتی بصره)، عطاء (مفتی کوفه) که هفت نفر اول، علاوه بر مرجعیت در حدیث، مقام قضاوت و افتا داشته و به **فقهای سبعه** معروفند.

«مراکز حدیث»

علامه قاسمی فرموده: «در صدر اول، معتمدترین شهرهای اسلامی از لحاظ نقل حدیث نبوی، اهل مدینه و پس از آن، بصره و سپس شام بوده است. » آنگاه از خطیب بغدادی نقل کرده: « صحیح‌ترین طرق سنن، احادیثی است که اهل حرمین (مکه و مدینه) نقل کرده‌اند. اهل یمن نیز احادیث صحیحی نقل کرده‌اند ولی شمار آن اندک است.» در سایر بلاد، بصریان در کثرت نقل سنن ثابته، بر سایرین مقدم‌اند، گرچه اهل کوفه نیز در کثرت نقل، دست کم از آنان ندارند ولی اکثر منقولات ایشان صحیح نیست. حدیث شامیان اکثر، مرسل و مقطوع است.

تاریخ نهضت نشر حدیث در بلاد مختلف، درست مصادف انقراض بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس است. علل مهم این امر عبارتند از:

۱) احتیاج دستگاه خلافت عباسی به تبلیغات مذهبی برای تثبیت مقام خود

۲) معارضه با مکتب علویان و به عبارت دیگر، معارضه با مکتب تشیع؛ زیرا حضرت باقر و صادق علیهماالسلام در خلال منازعات امویان و عباسیان، فرصتی برای نشر احادیث یافته و از این رو مردم متوجه این خاندان که حافظ میراث پیغمبر بودند، شدند زیرا طبق نقل بزرگان تنها از حضرت صادق (ع) چهار هزار شاگرد کسب فیض می‌نمودند.

۳) در نتیجه‌ی ترویج بیانی و عملی از ناحیه‌ی ائمه‌ی شیعه و طی معارضه‌ی ایشان با روی کار آمدن قیاس و استحسان در احکام الهی، با سعی تمام به نشر حدیث پرداختند و امثال مالک بن انس بلاواسطه از این مکتب الهام گرفتند و در فکر جمع آوری حدیث افتادند.

از آثار شاگردان مکتب صادقین و جمع آورندگان احادیث، جز موطأ مالک بن انس به دست ما نرسیده است. موطأ به حسب احکام فقهی ترتیب یافته و کلیه‌ی احادیث آن، مسند نیست. مالک بن انس حمیری اصبحی مدنی (صاب موطأ) متوفای سال ۱۷۹ هـ است. «موطأ» به معنای کتاب منقح و ممهد است یعنی مجموعه‌ای که برای جمع آثار نبوی مهیّا شده است. پیش از مالک کسی کتابش را به این اسم نامگذاری نکرده است زیرا تألیفات حدیثی را به نام جامع، مصنّف و یا مؤلف می‌نامیدند.

روش مالک در موطأ این است که ابتدا حدیث را نقل و سپس فتوای اهل مدینه را ذکر و آنگاه رأی و استنباط خود را در آخر، بیان می‌سازد. گرچه مالک به عقیده‌ی خود، احادیث صحیح را جمع‌آوری نموده ولی باید دانست که احادیث موطأ (طبق اصطلاح مشهور) صحیح نیست زیرا مالک، مراسیل و بلاغات را نیز صحیح به شمار آورده است. در روش این کتاب تعصب عقیده بی‌دخالت نبوده زیرا مالک با مکتب فقهی عراق که مبنی بر رأی و قیاس بود، سخت مخالفت داشت و معتقد بود با داشتن مستند روایی، به رأی و قیاس نمی‌توان پرداخت.

«خلاصه‌ی مباحث فوق و نکات کلیدی»

موضوع علم الحدیث: اقوال، احوال و افعال معصوم

علم الحدیث

۱- علم اصول الحدیث:

الف) علم رجال

ب) مصطلح الحدیث

۲- علم درایت الحدیث

- «حدیث» اصطلاحاً کلامی است که حاکی از قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) باشد.
- نام‌های دیگر «حدیث»: خبر، سنت، روایت، کلام، اثر

سنت

- به معنای اعم: قول و فعل و تقریر معصوم ⇐ معنای به کار برده شده در علم الحدیث
- به معنای اخص: مترادف مستحب

نحوه‌ی استعمال

- حدیث ← باب تفعیل
- خبر← باب تفعیل و افعال
- روایت ← ثلاثی مجرد از باب «ضرب»

علائم اختصاری

❊ ثنا – نا: در حدثنا ❊ انا: در اخبرنا

❊ ح: رمز (حیلوله) اگر محدث، متنی را به دو سند نقل نماید، هنگام انتقال از سندی به سند دیگر «ح» می‌نویسد.

– حال مشایخ ثلاثه (صاحبان کتب اربعه‌ی شیعه) در ذکر اسانید

۱) شیخ کلینی: سند حدیث را تماماً نقل می‌کند یا به سند حدیثی که قریباً گذشته، ارجاع می‌دهد.

۲) شیخ صدوق: بیشتر سند را ترک کرده و طریق متروکه را در آخر کتاب به تفصیل آورده است.

۳) شیخ طوسی: گاهی تمام سند را ذکر و زمانی بیشتر آن را ترک می‌کند.

فقهای صحابه: علی(ع)، عبدالله بن مسعود، سلمان فارسی، ابی بن کعب، عمار یاسر، حذیفة بن یمان، عبدالرحمان بن عوف، انس بن مالک، ابو موسی اشعری، ابوهریره، عایشه و عمر به کثرت فتوا مشهورند.

حفّاظ حدیث: ابوهریره، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عبدالله بن عباس، جابربن عبدالله، ابو سعید خدری، عایشه.

حافظ‌ترین اصحاب پیامبر(ص)، ابو هریره است.

حسن بصری که از مکثرین حدیث است، بیشتر منقولاتش، مرسل می‌باشد. وی می‌گفت: «هر حدیثی که از من بدون واسطه‌ی صحابی و مستند به رسول خدا (ص) شنیدید، من آن را از علی‌بن ابیطالب نقل می‌کنم.»

حدیث‌پژوهانی که برای اخذ حدیث، سفر نموده‌اند: علی بن مدینی، جابربن عبدالله انصاری، ابی العالیه، ابی قلابه بصری، سعید بن مسیّب.

سعیدبن مسیّب از بزرگان فقهای تابعین است که مرسلات وی، اصح مراسیل شمرده شده است.

جهات کثرت نقل صحابه

۱– طول مصاحبت با پیامبر(ص)

۲– کثرت ارتباط و آمیزش با آن حضرت

۳– طول زندگی صحابی پس از رحلت پیامبر(ص)

– آخرین صحابی: ابوالطفیل، عامربن واثله که در سال ۱۱۰ هـ. وفات نموده است.

علل عدم صحت کلیه‌ی منقولات (احادیث منقوله توسط) اصحاب پیامبر

۱– عدم ضبط احادیث تا نیمه‌ی قرن دوم هجری و در حدود یک قرن و نیم، مدار تحدیث، نقل شفاهی بوده است.

۲– کثرت دواعی جعل حدیث.